

Providing a Model for Rural Cooperative Policy Makers Based on the Resistance Economy Model

Nasrin Khodabakhshi Hafshejani (Ph. D.)¹

Abstract

This research was conducted with the aim of providing a model for rural cooperative policymaking based on resistance economy. The research method was mixed (qualitative-quantitative). The statistical population included faculty members, managers and experts of rural cooperatives who were aware of the research topic. In the qualitative part, a sample with a targeted approach and snowball technique (20 people) was selected, and in the quantitative part, due to the unlimited statistical population, a sample was determined using the Cochran formula (180 people). The data collection tools were in-depth interviews and researcher-made questionnaires. Qualitative data were analyzed with database approach and quantitative data were analyzed with structural equation method and SPSS17 and Amos20 software were used for this purpose. After analyzing the interviews, 128 primary concepts were extracted and categorized into 27 sub-categories and finally, these sub-categories were divided into 12 main categories (instrumental forecasting in implementation, culture building, local empowerment, active participation, justification of public stakeholders, self-reliance, feedbacks positive, optimization of rural economy, development of resources, alignment of public and individual interests, rural development and self-sufficiency) were classified. In the quantitative part, the inferential results obtained from the hypothesis test showed that the instrumental predictor variables of policy makers in implementation (0.445), culturalization of policy makers (0.603), native ability of policy makers (0.387), active participation of people (0.533), justification of public stakeholders (0.458), self-reliance (0.555), positive feedback (0.724), optimization of rural economy (0.480), development of resources (0.581), alignment of public and individual interests (0.616), rural development (0.749) and self-sufficiency (0.438) have a significant relationship with the successful implementation of rural cooperative policies. Further, the developed model using structural equations of validation and structural relationships showed that the effect of all independent variables on the successful implementation of rural cooperative policies is significant. Based on this, the implementation of the rural cooperative policy in line with the policies of the resistance economy, by using the necessary tools and formulating the necessary strategies, leads to the development of the rural cooperative based on local ability and self-sufficiency.

Keywords: *Policy Making, Rural Cooperation, Resistance Economy, Rural Development.*

1. Corresponding Author: Assistant Professor of Sociology, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khodabakhshi.n110@gmail.com

ارائه الگویی برای مجریان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی بر اساس الگوی اقتصاد مقاومتی

نسرین خدابخش هفشجانی*

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه الگویی برای خط‌مشی‌گذاری تعاونی روستایی بر اساس اقتصاد مقاومتی انجام شد. روش پژوهش آمیخته (کیفی- کمی) بود. جامعه آماری شامل اعضای هیئت علمی و مدیران و کارشناسان تعاون روستایی آگاه به موضوع تحقیق بودند. در بخش کیفی نمونه‌ای با رویکرد هدفمند و تکنیک گلوله برفی (۲۰ نفر) انتخاب شد و در بخش کمی نیز به خاطر جامعه آماری نامحدود، نمونه‌ای با شیوه فرمول کوکران به تعداد (۱۸۰ نفر) تعیین شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌های عمیق و پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود. داده‌های کیفی با رویکرد داده‌بنیاد و داده‌های کمی با شیوه معادلات ساختاری تحلیل شد و برای این منظور از نرم‌افزارهای SPSS17 و Amos20 استفاده گردید. بعد از تحلیل مصاحبه‌ها، تعداد ۱۲۸ مفهوم اولیه استخراج و در قالب ۲۷ خرده‌مقوله دسته‌بندی و در نهایت، این خرده‌مقوله‌ها در قالب ۱۲ مقوله اصلی (پیش‌بینی ابزاری در اجرا، فرهنگ‌سازی، توانمندی بومی، مشارکت فعال، توجیه ذی‌نفعان عمومی، اتکالی به خود، بازخوردهای مثبت، بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع، هم‌سویی منافع عمومی و فردی، توسعه روستایی و خودکفایی) طبقه‌بندی شدند. در بخش کمی نیز نتایج استنباطی حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که متغیرهای پیش‌بینی ابزاری خط‌مشی‌گذاران در اجرا (۰/۴۴۵)، فرهنگ‌سازی خط‌مشی‌گذاران (۰/۶۰۳)، توانمندی بومی خط‌مشی‌گذاران (۰/۳۸۷)، مشارکت فعال افراد (۰/۵۳۳)، توجیه ذی‌نفعان عمومی (۰/۴۵۸)، اتکالی به خود (۰/۵۵۵)، بازخوردهای مثبت (۰/۷۲۴)، بهینه‌سازی اقتصاد روستایی (۰/۴۸۰)، توسعه منابع (۰/۵۸۱)، هم‌سویی منافع عمومی و فردی (۰/۶۱۶)، توسعه روستایی (۰/۷۴۹) و خودکفایی (۰/۴۳۸) با اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی رابطه معناداری دارند. در ادامه الگوی تدوین‌شده با استفاده از معادلات ساختاری اعتباریابی و روابط ساختاری نشان داد که اثر همه متغیرهای مستقل بر اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی معنادار است. بر این اساس، اجرای خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، با استفاده از ابزارهای مورد نیاز و تدوین راهبردهای لازم به توسعه تعاون روستایی بر پایه توانمندی بومی و خودکفایی منجر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خط‌مشی‌گذاری، تعاون روستایی، اقتصاد مقاومتی، توسعه روستا.

مقدمه

تعاون روستایی یک نهاد موفق داخلی بوده است که سال‌ها توانسته بسیاری از مسائل روستایی را حل و فصل کند. تعاونی‌های روستایی وظایفی چون اعتبارات روستایی، تهیه و توزیع کالاهای مصرفی، خرید و فروش محصولات کشاورزی، خدمات فنی و کشاورزی و صنایع تولیدی و تبدیلی دارند که اصولاً برای توسعه، رفاه و ارتقای سطح زندگی روستاییان به وجود آمده است. متأسفانه امروز با نگاهی عمیق به کارایی و اثربخشی شرکت‌های تعاونی روستایی و مقایسه آنها با سنوات گذشته به نظر می‌رسد، به رغم اینکه این شرکت‌ها فعالیت‌های ارزشمندی داشته‌اند ولی با توجه به گذشت چندین سال از تشکیل آنها، تغییرات قابل توجهی در نحوه خدمات رسانی و ساختار آنها انجام نشده است. آغاز توجه به تعاونی با درج موادی در قانون تجارت در سال ۱۳۰۳ رسمیت یافت. از لحاظ تشکیل و ثبت تعاونی‌ها، نخستین شرکت تعاونی روستایی در سال ۱۳۱۴ در منطقه داورآباد شهرستان گرمسار تشکیل شد (همتی‌راد، ۱۳۹۳: ۳۸). با وجود پیشینه درخشان تعاونی‌های گوناگون در ایران، خط‌مشی‌گذاری این نهادها به توسعه اشتغال و افزایش بهره‌وری منجر نشده است و امروزه حجم بالایی از تعاونی‌های موجود غیرفعال یا منحل شده‌اند. به گزارش خبرگزاری بازار خبر (۱۳۹۳) در حال حاضر برابر آمارهای منتشره ۱۹۸ هزار تعاونی ثبت شده در کشور وجود دارد که ۴۳ درصد آنها غیرفعال و راکد هستند. این امر نشان می‌دهد که مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی تعاونی‌ها و تعریف صحیح از فعالیت و کارکرد تعاونی باید فرهنگ‌سازی شود. متأسفانه سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی بسیار ناچیز است، به نحوی که آمارها گویای سهم ۳٫۸ درصد تا ۵ درصد و بعضاً ۸ درصدی بخش تعاون است که این تناقض آماری نیز خود از عدم احصاء و پایش و استخراج دقیق آمارهای بخش تعاون در محاسبات کلان اقتصاد کشور حکایت دارد. باین حال بخش تعاون تا پایان برنامه پنجم توسعه باید به سهم ۲۵ درصدی از اقتصاد دست یابد، سهمی که باگذشت سه سال از اجرای برنامه و درحالی که کمتر از دو سال دیگر به اتمام آن باقی‌مانده، هنوز ارتقا پیدا نکرده و تعاون را از دستیابی به جایگاه حقیقی خود بازداشته است.

پس باید دید مشکلات یادشده ناشی از چه مسائلی هستند؟ بر این اساس باید گفت عوامل بازدارنده در اجرای خط‌مشی‌گذاران در تعاون روستایی که شامل سه دسته کلی (عوامل بازدارنده)

ناشی از سیاست‌گذاری، عوامل بازدارنده ناشی از محیط و عوامل بازدارنده ناشی از ساختار هستند. در سیاست‌گذاری اشتباه، شکست اجرای خط‌مشی‌های عمومی را در پی دارد. اشتباهاتی که در سیاست‌گذاری صورت می‌پذیرد، خود ناشی از عوامل گوناگونی است که همه آنها را می‌توان در چهار بخش هدف‌گذاری مبهم و غیرواقعی، نادرستی نظریه خط‌مشی، کمبود تعهد سیاست‌گذاران نسبت به اجرای خط‌مشی و نبود توافق همگانی بر خط‌مشی اتخاذ شده خلاصه کرد. در عوامل بازدارنده محیطی حوادث غیرمترقبه، کمبود زمان و منابع، کمبود حمایت‌های عمومی، و فناوری نامتناسب موردنظر است و در نهایت دسته سوم از عوامل بازدارنده اجرای کامل خط‌مشی را عوامل ساختاری تشکیل می‌دهد. این عوامل مربوط به ضعف ساختار اجرایی است و شامل نبود استقلال نسبی در ارکان اجرایی، مشخص نبودن وظایف و مسئولیت‌ها، کمبود ارتباطات، و نبود نظام ارزیابی عملکرد است (رجب‌بیگی، ۱۳۷۸: ۷۳). همچنین در حوزه مدیریت، برای بقا روش‌هایی برای اجرای بهتر خط‌مشی‌ها نیاز است که از طریق اندازه‌گیری اثرات مخدوش آنها را کاهش داد (کنبک و همکاران^۱، ۲۰۱۶: ۱۵۵).

خط‌مشی به منظور تعیین اولویت‌ها در انجام امور و فعالیت‌ها در جامعه است. به عبارت دیگر خط‌مشی راهنمای عمل است و اولویت‌ها و باید و نبایدها را معین می‌کند و نشان‌دهنده خطوط کلی در فعالیت‌ها و اقدامات بخش عمومی است (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۷). یکی از مهم‌ترین خط‌مشی‌های تدوین کشور، در ارتباط با حوزه تعاون روستایی است که به دلیل اجرای ناقض آنها، عملاً تعاون روستایی در کشور جایگاه مناسبی ندارد، هر چند که در مواردی تعاون روستایی برخی مسائل روستایی را حل و فصل کرده‌اند. اهمیت تعاون روستایی به نقش آن در توسعه روستایی برمی‌گردد چرا که توسعه روستایی با اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری، کاهش نابرابری و تسریع رشد اقتصادی سروکار دارد (طالب و بخشی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۱) که امروزه مسئله اصلی عمده روستاهاست. می‌توان گفت تعاون، وسیله‌ای است برای افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهرمندی از آثار آن، به ویژه آن که مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی‌های گوناگون برای توسعه روستایی، امری اجتناب‌ناپذیر است زیرا اجرای هرگونه برنامه عمران و توسعه در روستاها، بدون همیاری و مداخله

1. Kenbeek & et al

مستقیم و خودخواسته مردم محل، ناکام خواهد شد. مشارکت فعال و خودجوش روستاییان نیز مستلزم آگاهی یافتن آنان از ره آورد طرح های توسعه است. همچنین برای دستیابی به یک توسعه پایدار در مسیر توسعه یافتگی کشورمان نیازمند بازنگری در قوانین اقتصادی با توجه به سیاست های اقتصاد مقاومتی در مجلس شورای اسلامی هستیم. باید مسیر کنونی را تغییر دهیم و با استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی و تعاونی به یک اقتصاد پایدار بر مبنای حضور مردم دست پیدا کنیم (جهانگیر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱۶). مردمی کردن اقتصاد مؤلفه اصلی درون گرا کردن اقتصاد مقاومتی است و بخش تعاون بالاترین ظرفیت ها را برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی دارد (فروزانفر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۰). از جمله اهداف تشکیل تعاونی ها روستایی تجمیع سرمایه ها، تأمین نهاده های مشترک کشاورزی به صورت عمده و استفاده از تخفیف در خرید آن و هماهنگی و هم افزایی در بازاریابی و فروش محصولات کشاورزی است، به طوری که بیشترین سود به کشاورزان که زحمت اصلی تولید محصول را برعهده دارند، برسد. متولی دولتی تعاونی های روستایی در ایران سازمان تعاون روستایی است که رئیس آن معاون وزیر جهاد کشاورزی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۳۴). بنابراین به کارگیری مدلی مناسب و کارا برای اجرای خط مشی گذاری می تواند تعاون روستایی را از مسائلی که امروز گرفتار آن شده است، نجات دهد و با اجرای بهتر و عملی تر خط مشی های موجود بتوان تعاون روستایی را توسعه داد که نتیجه آن رشد و شکوفایی اقتصادی و تعالی در راستای اقتصاد مقاومتی خواهد بود. بدون شک چنین الگویی برای اجرایی شدن درست باید مستخرج از فهم شخصی بازیگران و ذی نفعان کلیدی توسعه روستایی باشد.

با توجه به مطالب مطرح شده، هدف اصلی این مطالعه، کاوش فرایندهای مدیریتی منجر به طراحی مدلی برای اجرای خط مشی گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی است و در پی پاسخ گویی به این سؤال است که تجارب شخصی بازیگران و ذی نفعان کلیدی توسعه روستایی، چگونه به ارائه مدل اجرای موفق خط مشی های تعاون روستایی می انجامد؟

ادبیات پژوهش

در مورد به کارگیری رویکردهای نظری مرتبط با اجرای خط مشی گذاری باید عنوان کرد

که اجرای خط‌مشی یک مسئله عمومی در دستور کار دولت برای اجرای تصمیمات است. این مرحله از چرخه خط‌مشی، اجرای خط‌مشی است که می‌توان آن را به صورت فرایندی که در آن برنامه‌ها یا خط‌مشی‌ها به اجرا گذاشته می‌شوند، تعریف کرد. مرحله‌ای که نشان می‌دهد خط‌مشی‌ها چگونه عملی می‌شوند (هیل^۱، ۲۰۰۲). بر اساس مباحث نظری، دیدگاه‌های موجود در زمینه اجرای خط‌مشی‌ها را می‌توان به دو گروه کلی سنتی و جدید تقسیم کرد (یانو^۲، ۲۰۰۷). در مدل سنتی اجرا، نظام اداری به صورت یک مجموعه مکانیکی در نظر گرفته می‌شود که دارای سه خصیصه است (پلتیر^۳، ۲۰۰۴: ۳۰۷). در خصیصه اول عناصر تشکیل‌دهنده ساختار سازمان‌های اداری در سلسله مراتبی متمرکز مشغول فعالیت هستند و مبنای این نظر تعلیمات ماکس وبر به عنوان اولین دانشمندی است که سعی در ارائه یک نظریه نظام‌مند در زمینه سازمان بوروکراتیک کرده است. وبر نظام اداری بوروکراتیک را نقطه اتکای اقتدار قانونی برای رسیدن به اهداف خود معرفی کرده و آن را به عنوان ساختاری که به وسیله رأس هرم قدرت کنترل می‌گردد، معرفی می‌نماید. عناصر تشکیل‌دهنده رأس هرم، گروه کوچک تصمیم‌گیران سیاسی هستند که سیاست‌های آنها با جدیت به وسیله عناصر اداری تابع و فرمانبر اجرا می‌گردند. در خصیصه دوم که از سوی ویلسون استاد علوم سیاسی و رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ارائه نشده است، نظام سیاسی از نظام اداری کاملاً مجزا است و هر یک از فعالیت‌های خاص خود را انجام می‌دهند، بدین گونه که دولت طرح‌ها را ارائه داده و نظام اداری آنها را اجرا می‌نماید. در این نگاه بوروکرات‌ها افرادی بی‌طرف، حرفه‌ای، غیرسیاسی در نظر گرفته شده‌اند. در نهایت در سومین خصیصه نگاه ابزاری تیلور نسبت به عوامل اجرا پذیرفته می‌گردد. تیلور در نظریه مدیریت علمی عامل نیروی کار در چرخه تولید پیشگام است و تشخیص خصوصیات ارگانیسم انسانی را به سان تشخیص کارکردهای یک ماشین ممکن می‌داند و در مطالعات خود به دنبال بالابردن کارایی ارگانیسم انسانی و به کارگیری او به بهترین نحو در فرایند تولید است (خواج‌نایینی، ۱۳۹۴). مدل سنتی اجرای سیاست‌گذاری‌های عمومی رفته‌رفته با انتقادهای جدی مواجه شده است و مطالعات انجام‌شده در خصوص نظام اداره دولتی و رفتارهای سازمانی بر پیچیدگی مرحله اجرا تأکید کرده‌اند (هیل، ۲۰۰۲).

1. Hill
2. Yanow
3. Pelletier

در رویکرد جدید، ارتباط خطی و یک‌جانبه میان تصمیم‌گیر و اجراکننده زیر سؤال می‌رود و بر وجود یک ارتباط دوری میان نظام سیاسی و نظام اجرایی براساس مذاکره و روابط قدرت تأکید می‌شود. بدین ترتیب بازیگر اداری دیگر فردی تابع و فرمان‌بردار در نظر گرفته نشده است، بلکه فردی مؤثر در ساختار و شکل‌دهنده سیاست‌هاست. همچنین این رویکردهای جدید از یک سو بر گوناگونی نحوه اجرای سیاست به وسیله مجریان در مناطق مختلف تأکید دارند، بدین گونه که در منطقه‌ای سیاست بیشتر بر اساس قوانین تعریف شده اجرا می‌گردد و در منطقه‌ای دیگر بر کمک‌های مالی دولت تأکید می‌شود. در نهایت اجرای خط‌مشی‌های عمومی مستلزم حذف بروکراسی‌های دست‌وپاگیر در سازمان است و با چهار اهرم تعامل، اعتقاد، فشار و همکاری نتایج اجرای این خط‌مشی‌ها مطلوب خواهد بود (موسلی و چارلی^۱، ۲۰۱۴: ۹۷).

در زمینه پیشینه پژوهش، نیکویی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی تأثیر مشارکت اجتماعی جامعه روستایی را بر موفقیت تعاونی‌های روستایی بررسی کردند و در نتایج خود رمز موفقیت این تعاونی‌ها را مشارکت فعال اعضا در مدیریت اعلام کردند. رخسانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی موانع توسعه کسب و کار در تعاونی‌های روستایی را بررسی کردند و در نتایج خود بیان کردند که عواملی نظیر فرهنگ‌سازی، تدوین راهبرد، ارتقای همکاری و توسعه سرمایه‌گذاری از عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کار در تعاونی‌های روستایی است. رضایی (۱۳۹۳) در پژوهشی نقش کارآفرینی در توسعه تعاونی‌های روستایی را بررسی کردند و در یافته‌های خود اظهار کردند که مؤلفه‌های شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌های روستا، خلاقیت، جذب منابع مالی، قانون-گذاری و آموزش در این حوزه مؤثرند. عباسی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی را بررسی کردند و معتقد بودند اجرای خط‌مشی‌ها در این سازمان‌ها، به عواملی نظیر تدوین‌کنندگان خط‌مشی، مجریان و استفاده‌کنندگان، ماهیت خط‌مشی، سازمان‌مجرى، انواع کنش‌ها و گروه‌های فشار و محیط با اجرای خط‌مشی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بستگی دارد. کریم (۱۳۹۴) در پژوهشی چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی در ایران را بررسی کرد و در یافته‌های خود بیان کرد که برای توسعه این تعاونی‌ها، باید چالش‌های فردی، ساختاری - مدیریتی، سیاسی، زیرساخت‌های نهادی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی

برطرف شود. لان و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در نتایج پژوهش خود بیان کردند که کارآفرینان روستایی تأثیر به سزایی در توسعه تعاونی‌های روستایی در روستاهای چین دارند. ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی عوامل مؤثر بر توسعه تعاونی روستایی در روستاهای فقیرنشین چین بررسی کردند و در نتایج خود اظهار کردند، برنامه‌ریزی‌های راهبردی دولت و همچنین توجه به قابلیت‌های روستایی باعث توسعه تعاونی‌های روستایی در مناطق روستایی می‌شود. کنبک و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی اجرای خط‌مشی در سازمان‌های مدیریت منابع طبیعی را بررسی و عنوان کردند که توسعه اجرای بهتر خط‌مشی‌های سازمان در حوزه منابع طبیعی بر عوامل بروکراتیک تصمیم‌گیری متکی است و ساختار سازمان‌ها به عنوان عامل دیگر شدیداً اجرای خط‌مشی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

روش تحقیق

این مطالعه از لحاظ ماهیت آمیخته، از منظر هدف توسعه‌ای-کاربردی، از نظر گردآوری داده‌ها میدانی و طرح ترکیبی مورد استفاده در آن متوالی اکتشافی^۲ (کیفی-کمی^۳) بود. مرحله کیفی جهت شناسایی مؤلفه‌های الگوی خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی، با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد^۴ انجام گرفت. جامعه هدف در بخش کیفی تحقیق، شامل برخی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، مدیران ارشد و معاونان و کارشناسان تعاون روستایی آشنا به موضوع تحقیق بودند. برای انتخاب نمونه در بخش کیفی، از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی با رویکرد هدفمند^۵ و از نوع ارجاعی زنجیره‌ای (گلوله‌برفی^۶) و از تکنیک اشباع نظری استفاده شد، به طوری که بعد از انجام ۲۰ مصاحبه، اطلاعات به‌دست‌آمده تکراری شد. داده‌های کیفی، از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق با خبرگان جمع‌آوری و با بهره‌گیری از سه فرایند هم‌پوش در رویکرد نظریه داده‌بنیاد، شامل کدگذاری باز^۷، کدگذاری

1. Lan & et al
2. Sequential Exploratory
3. Qualitative-Quantitative
4. Grounded Theory
5. Purposeful Sampling
6. Snowball sampling
7. Open coding

محوری^۱ و کدگذاری انتخابی^۲، تجزیه و تحلیل شد. به منظور اطمینان از روایی داده‌های کیفی، دو معیار بازبینی توسط همکار^۳ و بازبینی توسط مشارکت کنندگان^۴ به کار گرفته شد (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۲). پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، هر متن چندین بار مطالعه شد تا مضامین در ذهن محقق نقش ببندد. علاوه بر این، از یک نفر همکار آشنا به روش‌شناسی مطالعات کیفی و فرایند کدگذاری و برداشت‌های متنی نظرخواهی و مشورت گرفته شد، کدگذاری چند مصاحبه با نظارت وی انجام شد و بعد از بررسی تأیید شد. در نهایت متن مصاحبه‌ها و تحلیل‌ها و نتایج کدگذاری‌ها در اختیار چند تن از مشارکت کنندگان در مصاحبه‌ها قرار گرفت و از آنها خواسته شد هرگونه اصلاح، تغییر یا تعدیل ضروری را اعمال کنند. برای محاسبه پایایی داده‌ها از شاخص دو کدگذار^۵ استفاده شد. این شاخص به درجه‌ای اشاره دارد که دو یا چند کدگذار نتایج یکدیگر را تکرار کنند (خواستار، ۱۳۸۸). برای این منظور از همکار پژوهش (کدگذار) درخواست شد تا تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کند و از تقسیم دوبرابر تعداد کدهای مورد توافق بین دو کدگذار بر تعداد کل کدهای ایجادشده، درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود و معمولاً به صورت درصد ارائه می‌شود، محاسبه شد.

جدول ۱. پایایی دوکدگذار

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم-توافقات	پایایی بازآزمون
۱	M4	۲۹	۱۲	۵	٪۸۳
۲	M7	۳۰	۱۴	۲	٪۹۳
۳	M11	۲۷	۱۱	۵	٪۸۱
	کل	۸۶	۳۷	۱۲	٪۸۶

1. Axial Coding
2. Selective Coding
3. Peer debriefing
4. Member checking
5. Inter-coder reliability

پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته، برابر $0/86$ به دست آمد. با توجه به این که میزان پایایی بیشتر از $0/60$ است، در نتیجه قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان ادعا کرد که مصاحبه‌ها، از پایایی خوبی برخوردار است. در بخش کمی تحقیق نیز بر اساس شاخص همبستگی با بهره‌گیری از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ سطوح مدل و نحوه ارتباط میان مؤلفه‌های شناسایی شده اعتبارسنجی شد. جامعه آماری در بخش کمی تحقیق، اساتید دانشگاه و مدیران و کارشناسان تعاون روستایی‌های کل کشور بودند، با توجه به تعداد جامعه آماری نامحدود با استفاده فرمول اصلاح شده کوکران، حجم نمونه‌ای به تعداد ۱۸۰ نفر با رویکرد تصادفی ساده برآورد شد. ابزار جمع‌آوری داده‌های بخش کمی پژوهش، پس از شناسایی مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی و ترسیم مدل کیفی، پرسشنامه محقق ساخته‌ای با ۷۵ گویه در قالب ۱۲ مقوله (پیش‌بینی ابزاری در اجرا، فرهنگ‌سازی، توانمندی بومی، مشارکت فعال، توجیه ذی‌نفعان عمومی، اتکای به خود، بازخوردهای مثبت، بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع، هم‌سویی منافع عمومی و فردی، توسعه روستایی و خودکفایی) به صورت پنج‌ارزشی لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) تدوین شد. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از معیار آلفای کرونباخ $0/88$ برآورد گردید. همچنین، روایی محتوایی ابزار تحقیق توسط ۸ نفر از اساتید مدیریت تأیید شد. به منظور جمع‌آوری داده‌های کمی، به طور مستقیم و با استفاده از فضای مجازی پرسش‌نامه به تعداد مورد نظر بین خبرگان توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری شد، تعداد ۱۷۸ پرسش‌نامه عودت و مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین، داده‌های کمی با روش معادلات ساختاری در جهت بررسی و اعتبارسنجی مدل تحقیق تجزیه و تحلیل شد، و برای این منظور از نرم‌افزارهای SPSS17 و Amos20 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های نظری

بر مبنای تعاریف ارائه‌شده در مباحث نظری خط‌مشی، یک دستورالعمل کلی برای تصمیم‌گیری و چارچوبی برای انواع تصمیماتی که باید گرفته شوند، مسیر تفکر یا شیوه اندیشه

اعضای سازمان را مشخص می کند، تا شیوه اندیشیدن و تصمیم گیری آنها با هدف های سازمان سازگار گردد. خط مشی گذاری را می توان از یک دیدگاه، معادل تصمیم گیری دانست زیرا زمانی که خط مشی تصویب می شود، یک نوع تصمیم گرفته شده است. خط مشی یک قاعده کلی است که باید بر قوانین و آیین نامه ها اشراف داشته باشد و یکی از راه های ساده کردن خط مشی تبدیل آن مجموعه ای از مراحل مشخص و فرعی است که نتیجه آن به دست آمدن چرخه خط مشی است که شامل دستور گذاری، تنظیم خط مشی، تصمیم گیری، اجرای خط مشی و ارزیابی خط مشی است.

کوکران و مالون^۱ (۱۹۹۵) خط مشی در برگیرنده برنامه های سیاسی برای اجرای طرح هایی به منظور دستیابی به اهداف اجتماعی تعریف کرده اند. پیترز^۲ (۲۰۰۰) خط مشی عمومی مجموعه فعالیت های حکومتی می داند که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد. در همین راستا مولر خط مشی گذاری را «دولت در عمل» تعریف می کند. لاسول و همکاران^۳ (۲۰۰۳) خط مشی را یک برنامه طراحی شده متشکل از اهداف، ارزش ها و اقدامات می داند. از طرفی دیگر آستن رنی خط مشی را به منزله خطوط تعیین شده اقدامات یا بیان خواسته ها می داند. به طور کلی، هر آنچه را که سازمان ها تصمیم می گیرند که به انجام رسانند یا از اجرای آن ممانعت به عمل آورند، می توان خط مشی تلقی کرد. خط مشی ها اصولی هستند که به تصمیم ها، اقدامات و فعالیت های سازمان جهت می دهند و آنها را در مسیر تحقق اهداف تنظیم می نمایند. خط مشی نشانگر خواست ها و انتظارات بخش های سازمان است که در فرایند تصمیم گیری به صورت آیین نامه ها، قوانین و مقررات اجرایی، تقنینی و قضایی منعکس می شود. در مجموع آنچه که در همه تعاریف به طور مشترک وجود دارد آن است که خط مشی در مورد فرایند یا الگوی فعالیت ها یا تصمیماتی است که برای جبران مشکلات عمومی چه حقیقی و چه مجازی اتخاذ می شود.

پس از مطرح شدن یک مسئله عمومی در دستور کار دولت، طرح انتخاب های مختلف برای حل آن و گزینش یک تصمیم توسط نهاد سیاست گذار، آنچه باقی می ماند، اجرای آن تصمیم است. این مرحله از چرخه خط مشی، اجرای خط مشی است که می توان آن را به صورت فرایندی که در آن برنامه ها یا خط مشی ها به اجرا گذاشته می شوند، تعریف کرد، مرحله ای که هیل معتقد

1. Cochran and Malone

2. Peters

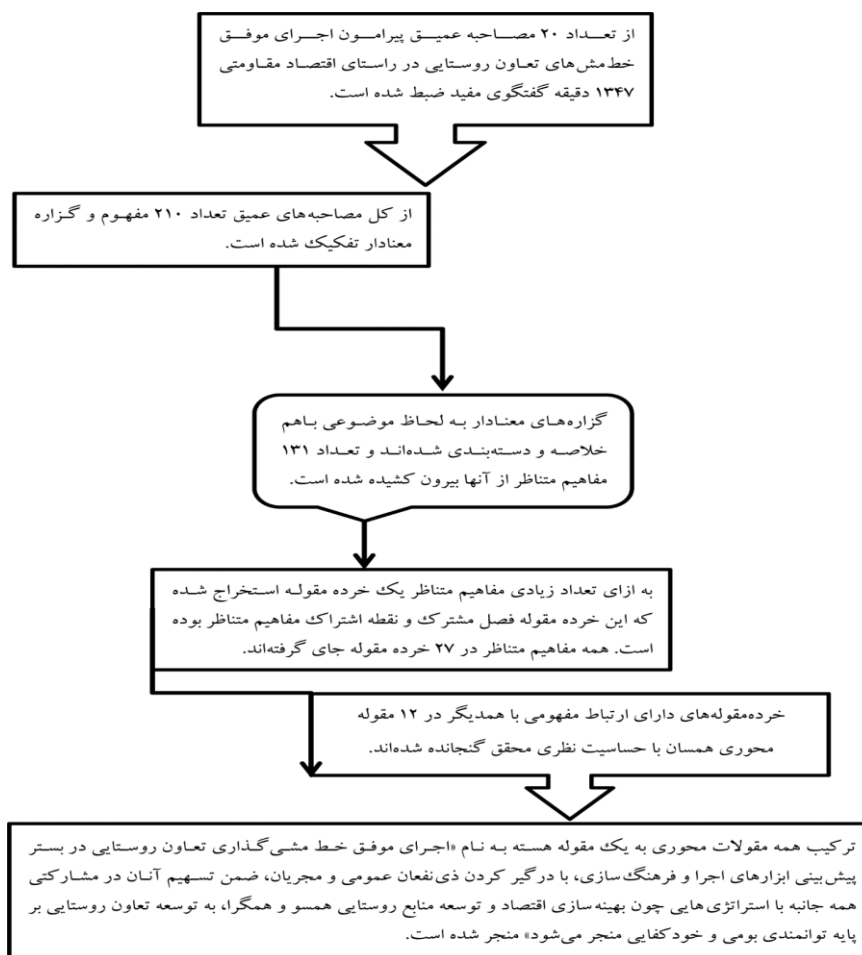
3. Harold lasswell

است خط‌مشی‌های چگونه عملی می‌شوند. در مرحله اجرای خط‌مشی‌ها، تحلیل‌گر سعی خود را به شناخت آن چه پس از تصمیم‌گیری واقع می‌شود معطوف می‌نماید و وقایع بروز یافته در نظام اداری و نیز فعالیت‌ها و تلاش‌های انجام شده برای اجرای خط‌مشی و ایجاد تأثیر در وضعیت محیطی خاص یا گروهی خاص مورد توجه قرار می‌گیرد.

یافته‌های کیفی

بخش کیفی پژوهش به منظور آگاهی از ذهنیت اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی از موفقیت مدلی برای اجرای خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی از یک رویکرد تلفیقی بهره گرفته است. از آن جایی که در این پژوهش داده‌های کیفی در مرحله اول پژوهش جمع‌آوری می‌شود، قصد محقق می‌تواند کشف موضوع پژوهش با نظر اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در پژوهش باشد. بنابراین در ابتدا با انجام مصاحبه‌های عمیق در میان اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی تحلیل کیفی مصاحبه‌ها شروع شد و مدل ارائه‌شده در این پژوهش حاصل تحلیل عمیق ۲۰ مصاحبه از اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در کشور است که در فرایند مدیریتی تعاون روستایی استان‌ها و کل کشور درگیر هستند. طول زمان مصاحبه‌ها در بین دامنه زمانی ۳۸ تا ۱۲۶ دقیقه متغیر بود و در مجموع ۱۳۴۷ دقیقه مصاحبه و میانگین هر مصاحبه برای هر نفر بیش از ۶۷ دقیقه انجام گرفت. نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه‌گانه کدگذاری ارائه شد و در مرحله کدگذاری باز، بیش از ۲۱۰ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد. در مرحله بعد، ۱۳۱ مفهوم متناظر از تعداد ۲۱۰ گزاره‌های معنادار کلی موجود در متن مصاحبه‌ها بیرون کشیده شد. این مقوله‌ها دارای ارتباط مفهومی با همدیگر هستند و به راحتی می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد و در مرحله کدگذاری باز ۲۷ خرده‌مقوله از مفاهیم متناظر بیرون کشیده شده است. مراحل تئوری‌سازی در نظریه زمینه‌ای در نمودار زیر نشان داده شده است.

در مرحله کدگذاری مایه گرفتن مفاهیم از داده‌ها، مشخصه اصلی راهبرد نظریه زمینه‌ای است و به کمک تحلیل مقوله‌ها می‌توان فرایند نظریه‌سازی را تشریح کرد. در مورد نام‌گذاری مناسب مقوله‌ها، پرسیدن سؤالات برانگیزنده، مقایسه و استنتاج طرحی نو، یکپارچه و واقع‌بینانه



نمودار ۱. شماتیک فرایند استخراج تئوری برآمده از مصاحبه‌های پژوهش

از انبوه داده‌های خام و سازمان‌نیافته، نیاز به خلاقیت ویژه‌ای دارد و با توجه به خلاقیت، باید حساسیت نظری راهگشای ادامه کار باشد. حساسیت نظری از آن جهت مهم است که اساساً پژوهش کیفی و نظریه‌مبنایی در پی معنا دادن به داده‌ها هستند. در ادامه هر یک از مقولات معنادار با توجه به خلاقیت و حساسیت نظری مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته‌اند. آخرین مرحله کدگذاری مرحله کدگذاری گزینشی است که در آن کدهای به دست آمده در مرحله

کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. هدف از این کار، یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌های کسب‌شده در مرحله کدگذاری محوری است که در آن شکل‌گیری و پیوند هر مقوله با سایر مقوله‌ها شرح داده می‌شود و مقوله هسته نهایی به‌دست آمده که کل مفاهیم و مقوله‌ها را در بر می‌گیرد. در مرحله کدگذاری گزینشی، با ترکیب ۱۲ مقوله اصلی پژوهش (پیش‌بینی ابزاری در اجرا، فرهنگ‌سازی، توانمندی بومی، مشارکت فعال، توجیه ذی‌نفعان عمومی، اتکای به خود، بازخوردهای مثبت، بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع، همسویی منافع عمومی و فردی، توسعه روستایی و خودکفایی)، مقوله هسته نهایی ظهور کرد. با توجه به مقولات عمده و توضیحات فوق می‌توان گفت که مقوله اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی در بستر پیش‌بینی ابزارهای اجرا و فرهنگ‌سازی، با درگیرکردن ذی‌نفعان عمومی و مجریان، ضمن سهیم کردن آنان در مشارکتی همه‌جانبه با راهبردهایی چون بهینه‌سازی اقتصاد و توسعه منابع روستایی هم‌سو و همگرا، به توسعه تعاون روستایی بر پایه توانمندی بومی و خودکفایی منجر می‌شود، می‌تواند همه مباحث اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی راجع به موفقیت اجرایی خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی را تحت پوشش قرار دهد و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد.

تمامی مقولات مورد نظر در مدلی پارادایمی، به دقت شرایط علی تا پیامدهای آن را تدوین کرده است و پدیده مرکزی این مدل، اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی است که محور سؤالات مصاحبه کیفی و اطلاعات نظری و مفهومی اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی کشور است. همچنین در این مدل شرایط علی شامل دو مؤلفه توجیه ذی‌نفعان عمومی اجرای خط‌مشی‌ها و اتکای به خود است. توجیه ذی‌نفعان عمومی اجرای خط‌مشی‌ها، شامل دو خرده‌مقوله شفافیت منافع عمومی و مقبولیت ابزاری است. این مقوله‌ها می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی عمومی و آگاهی‌بخشی از اجرای موفق خط‌مشی‌ها، توجیه بالایی در افزایش آگاهی عمومی در اجرای خط‌مشی‌های تعاون روستایی داشته باشند. در مورد مقوله اتکای به خود این شرایط برای عموم مردم باید توجیه شود که اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی به خودکفایی مردم منجر خواهد شد. همچنین شرایط علی در مدل پارادایمی پژوهش دارای اثرگذاری چندگانه‌ای است که می‌تواند علت مستقیم و غیرمستقیم اجرای موفق خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی باشد. علاوه بر

شرایط علیّی در مدل پارادایمی نقش بسترهای موجود در اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی مهم است و اساساً باید دید که اجرای موفق خط‌مشی‌ها در چه بستری رخ می‌دهد. بر مبنای یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های پژوهش پیش‌بینی ابزاری با دو خرده‌مقوله سهولت اجرایی و وجود امکانات و زیرساخت، و فرهنگ‌سازی با سه خرده‌مقوله توسعه‌خواهی همگانی، هم‌سویی با بستر فرهنگی و توسعه فرهنگ تعاون اثر مستقیمی بر اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی بر مبنای اقتصاد مقاومتی دارند. بسترها علاوه بر اثر مستقیم بر اجرای خط‌مشی‌ها بر راهبردهای اجرایی نیز اثر دارند. از دیگر مؤلفه‌هایی که از آن به عنوان شرایط مداخله‌گر یاد می‌شود، مشارکت فعال و بازخوردهای مثبت است که می‌تواند اثر شتاب‌دهنده یا بازدارنده بر اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی داشته باشند. آنچه از هسته برخی مصاحبه‌ها بیرون می‌آید، راهبردهایی برای اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی در بین اساتید و خبرگان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی کشور است. مهم‌ترین راهبردها برای اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی، شامل بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع و هم‌سویی منافع عمومی و فردی است. این سه راهبرد مهم دو نقش عمده در مدل پارادایمی دارند. نخست به طور مستقیم بر اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی اثر دارند و علاوه بر آن، منجر به پیامدهایی می‌شود که شامل توانمندی بومی، توسعه روستایی و خودکفایی است.

در نهایت مدل پارادایمی پژوهش باید دارای پیامدهایی در راستای پدیده مرکزی پژوهش باشد. مهم‌ترین پیامدهای مورد انتظار در تبیین اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی، توانمندی بومی با خرده‌مقولات تولید بومی و سودآوری عمومی یکی از مهم‌ترین پیامدهاست. هرچند این پیامد خود فی‌نفسه مطلوب است، اما بر اجرای موفق سیاست‌های تعاون مبتنی بر اقتصاد مقاومتی اثر مستقیمی دارد. از دیگر پیامدها می‌توان به توسعه روستایی اشاره کرد. توسعه روستایی شامل گسترش امکانات و ارتقای فرهنگی است. توسعه روستایی نیز به مانند توانمندی بومی هم‌نتیجه و هم‌علت است. توسعه روستایی هر چند هدف همه خط‌مشی‌های توسعه روستایی است اما خود باعث اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی می‌شود.

یافته‌های کمی

یافته‌های کمی بر اساس رویکرد تلفیقی به‌دست آمده است. از آن جایی که در این پژوهش داده‌های کیفی در مرحله اول پژوهش جمع‌آوری می‌شوند، هدف محقق می‌تواند کشف موضوع پژوهش با نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش باشد. بنابراین در مرحله بعد همین موضوع را می‌توان در سطح وسیعی از جامعه آماری مورد بررسی کمی قرار داد. نتایج کیفی منجر به تدوین الگوی بومی اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی شد. این الگو دارای ۱۲ مقوله اصلی و ۲۷ خرده‌مقوله است که محقق با تعریف ۱۲۸ متغیر و شاخص‌سازی آنها از طریق ۲۷ خرده‌مقوله، پرسش‌نامه‌ای برای اعتباریابی الگوی تدوین شده طراحی کرد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی، جداول میانگین و انحراف معیار، مقایسه میانگین‌ها و مدل‌سازی معادلات ساختاری صورت گرفته است.

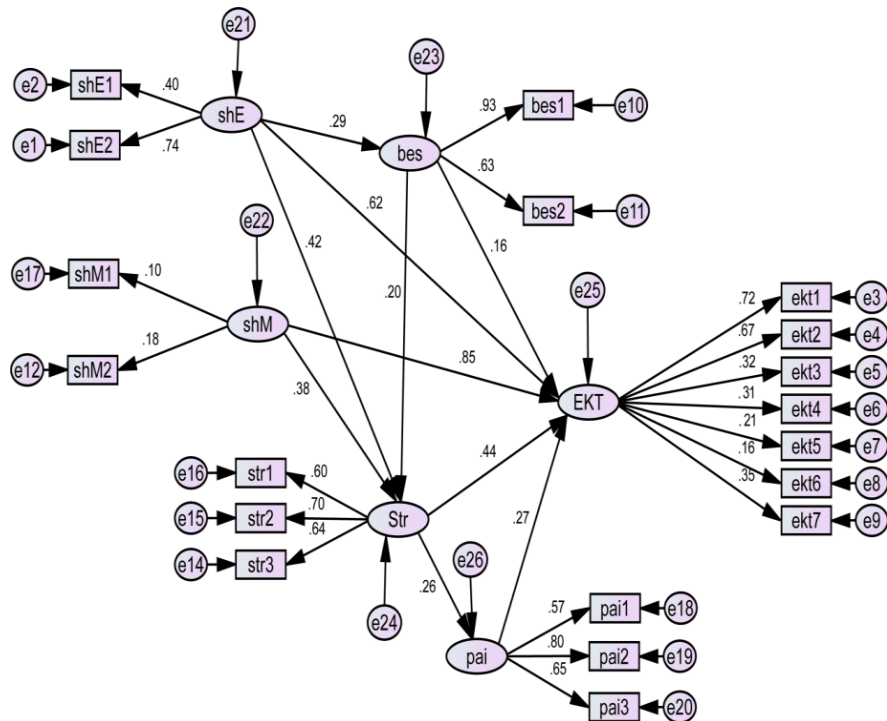
جدول ۲. یافته‌های استنباطی

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری
پیش‌بینی ابزاری	آزمون روستایی	۰/۴۴۵	۰/۰۰۰
فرهنگ‌سازی		۰/۶۰۳	
توانمندی بومی		۰/۳۸۷	
مشارکت فعال افراد		۰/۵۳۳	
توجه‌ذی‌نفعان عمومی		۰/۴۵۸	
اتکای به خود		۰/۵۵۵	
بازخوردهای مثبت		۰/۷۲۴	
بهینه‌سازی اقتصاد روستایی		۰/۴۸۰	
توسعه منابع		۰/۵۸۱	
همسویی منافع عمومی و فردی		۰/۶۱۶	
توسعه روستایی		۰/۷۴۹	
خودکفایی		۰/۴۳۸	

با توجه به اطلاعات جدول (۲)، یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\text{sig}=0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت، می توان نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای مستقل و اجرای موفق خط مشی های تعاون روستایی وجود دارد. با توجه به استنباط آماری موجود، فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند و نتایج آنها گویای اثربخش بودن متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته موفقیت اجرای خط مشی های تعاون روستایی بوده است. برای حصول اطمینان بیشتر نیز می توان اثر این متغیرها را بر میزان اجرای موفق خط مشی های تعاون روستایی در مدل سازی معادلات ساختاری به کمک نرم افزار Amos Graphics نشان داد.

جدول ۳. متغیرها و نمادهای ترسیمی موجود در مدل

متغیرهای موجود در مدل	شاخص ها	نماد ترسیمی
بسترهای اثر گذار بر اجرای خط مشی تعاون روستایی (bes)	پیش بینی ابزاری	bes1
	فرهنگ سازی	Bes2
شرایط علی اثر گذار بر اجرای خط مشی تعاون روستایی (shE)	توجه ذی نفعان عمومی	shE1
	اتکای به خود	shE2
شرایط مداخله گر اثر گذار بر اجرای خط مشی تعاون روستایی (shM)	بازخوردهای مثبت	shM1
	مشارکت فعال	shM2
راهمبرد اثر گذار بر اجرای خط مشی تعاون روستایی (Str)	بهینه سازی اقتصاد روستایی	str1
	توسعه منابع	str2
	همسویی منافع عمومی و فردی	str3
پیامدهای اجرای خط مشی تعاون روستایی (pai)	توانمندی بومی	pai1
	توسعه روستایی	pai3
	خود کفایی	pai3
اجرای موفق خط مشی تعاون روستایی (EKT)	مجموع هفت گویه برای سنجش اجرای موفق خط مشی تعاون روستایی	EKT1 ... EKT7



نمودار ۲. مدل معادلات ساختاری برای تبیین اجرای موفق خط‌مشی تعاون روستایی (EKT)

در این مدل، ۱۹ متغیر مشاهده می‌شود و این متغیرها از تجمیع تعداد زیادی گویه حاصل شده‌اند. برخی از متغیرهای مشاهده‌شده شامل متغیرهای مستقل اصلی پژوهش هستند که در مدل پارادایمی بخش کیفی پژوهش مشخص شده و برای تبیین اثر متغیرهای مستقل بر اجرای موفق خط‌مشی تعاون روستایی به کار رفته‌اند. این متغیرهای آشکار شاخص‌های اصلی از متغیرهای مستقل و اجرای موفق خط‌مشی تعاون روستایی هستند که در متغیرهایی چون بسترهای اثرگذار بر اجرای خط‌مشی تعاون روستایی (پیش‌بینی ابزاری در اجرا، فرهنگ‌سازی)، شرایط علی اثرگذار بر اجرای خط‌مشی تعاون روستایی (توجیه ذی‌نفعان عمومی، اتکای به خود)، شرایط مداخله‌گر اثرگذار بر اجرای خط‌مشی تعاون روستایی (بازخوردهای مثبت، مشارکت فعال)، راهبرد اثرگذار بر اجرای خط‌مشی تعاون روستایی (بهینه‌سازی اقتصاد روستایی، توسعه منابع، هم‌سویی منافع

عمومی و فردی)، پیامدهای اجرای خط مشی تعاون روستایی (توانمندی بومی، توسعه روستایی، خودکفایی) و مجموعه گویه‌هایی برای اجرای موفق خط‌مشی تعاون روستایی وجود دارند. در بیان شاخص‌های اجرای موفق خط‌مشی تعاون روستایی هفت شاخص مختلف وجود دارند که (ekt1) به معنی «اجرای موفق خط‌مشی‌ها باید بر پایه پیش‌بینی دقیق ابزارها و امکانات اجرایی باشد» با ضریب ۰/۷۲ دارای بیشترین وزن در تبیین اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی داشته است و بر همین اساس (ekt6) به معنی «اجرای موفق خط‌مشی تعاون روستایی باید به بهینه‌سازی اقتصاد و توسعه منابع روستایی منجر می‌شود» با ضریب ۰/۱۶، دارای وزن کمتری در تبیین اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی داشته است. در بحث سایر متغیرها نیز همه ضرایب اثر معناداری در تبیین متغیرهای پژوهش نشان داده‌اند.

اما در بحث روابط ساختاری، نتایج حاصل از مدل‌سازی نشان داده است که اثر همه متغیرهای مستقل بر اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی معنادار بوده است. در همین ارتباط می‌توان گفت اثر شرایط علی (shE) بر اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی (EKT) با ضریب ۰/۶۲ اثر مستقیم و معناداری است و همچنین اثر شرایط مداخله‌گر (shM) نیز با ضریب ۰/۸۵ معنادار بوده است. علاوه بر دو متغیر فوق راهبردها، بسترها و حتی پیامدها نیز اثر مستقیم و معناداری بر اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به ارائه الگویی برای مجریان خط‌مشی‌گذاری تعاون روستایی بر اساس الگوی اقتصاد مقاومتی پرداخته است. به این منظور از روش نظری داده‌بنیاد برای شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر خط‌مشی‌گذاری تعاونی روستایی بر اساس اقتصاد مقاومتی استفاده شد و در نهایت، مدل کیفی تحقیق مشتمل بر ۲۷ خرده‌مقوله مؤلفه در قالب ۱۲ مقوله اصلی، ارائه و اعتبارسنجی شد.

در این راستا یافته‌های تحقیق نشان داد که فرهنگ‌سازی و پیش‌بینی ابزاری از عوامل مؤثر برای مجریان خط‌مشی‌گذاری تعاونی‌های روستایی بر اساس اقتصاد مقاومتی است و این نتایج با یافته‌های تحقیق رخشانی و همکاران (۱۴۰۰) و رضایی (۱۳۹۳) مطابقت دارد. بدون شک، امروزه

برنامه‌ریزی فرهنگی در تمام عرصه‌ها از جمله توسعه تعاونی‌های روستایی امری ضروری به نظر می‌رسد که معمولاً با آگاه‌سازی و آموزش‌های صحیح، مجموعه روستا را برای پذیرش تغییرات، آماده می‌کنند، به طوری که برنامه‌های فرهنگی در توسعه پایدار و پیشرفت روستا نقش بازی می‌کنند و می‌توانند دارای کارکردهایی باشند. برنامه‌های فرهنگی در سطح روستای باید در ابعاد مختلف توسعه، نظیر توسعه تعاونی‌های روستایی باشد. در جامعه روستایی برای اینکه بتوانیم به هدف، که تغییر در وضعیت موجود است، دست یابیم ابتدا باید تعامل مناسبی با مجموعه تفکرات موجود روستا در حوزه‌های گوناگون داشته باشیم و با در نظر گرفتن ضرورت‌ها، شناخت از ساختار فرهنگ بومی و ظرفیت تغییرپذیری مجموعه روستا نسبت به تغییرات مورد نظر اقدام کنیم (صاحبی و همکاران، ۱۳۹۳).

یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که توجیه ذی‌نفعان و توانمندسازی آنها در راستای خط‌مشی‌گذاری تعاونی‌های روستایی، از عوامل مهم برای مجریان در این زمینه است. به این نتایج در یافته‌های تحقیق عباسی و همکاران (۱۳۹۵) و کریم (۱۳۹۴) اشاره شده است. در تبیین این نتایج می‌توان این گونه بیان کرد که درگیرسازی ذی‌نفعان به‌واقع نمایان‌گر مسئولیت‌پذیری شرکت و تعامل میان کسب و کار و جامعه است. علاوه بر این مدیریت گروه‌های ذی‌نفع و همچنین رویکرد درگیرسازی ذی‌نفعان، نشان می‌دهد که مدیران باید فرایندی را تدوین و اجرا کنند که افراد ذی‌نفع را در فعالیت توسعه راضی نگه دارد، به گونه‌ای که موفقیت درازمدت بنگاه را تضمین کند. بدین خاطر، میزان رضایت ذی‌نفعان به عنوان شاخص عملکرد در اجرای موفق طرح به حساب می‌آید. همچنین، تغییر در نفوذ نسبی هر گروه ذی‌نفع می‌تواند در خط‌مشی‌گذاری عمومی تغییر ایجاد کند زیرا اساساً خط‌مشی‌گذاری عمومی، ابزاری برای کسب منافع گروهی خاص و دور کردن گروه‌های دیگر از دستیابی به آن است (گل‌دار و همکاران، ۱۳۹۶).

خبرگان شرکت‌کننده در پژوهش معتقد بودند، مشارکت فعال، اتکا به توانایی‌های خود، خودکفایی و همسویی منافع عمومی و فردی از عوامل تأثیرگذار بر خط‌مشی‌گذاری تعاونی‌های روستایی بر اساس اقتصاد مقاومتی است. به اهمیت این نتایج در یافته‌های تحقیق نیکویی و همکاران (۱۳۹۵)، رخشانی و همکاران (۱۴۰۰) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) نیز اشاره شده است. در تأیید این نتایج می‌توان این گونه بیان کرد که مشارکت گروه‌های مختلف مردم در

تصمیم‌گیری‌ها منجر به بهره‌گیری از دیدگاه‌های متفاوت و حرکت به سمت راهکاری متناسب با عقاید موجود در جامعه می‌گردد. از طرفی یکی از مشکلات مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری‌ها آن است که در بیشتر موارد، خط‌مشی‌گذاری فرایندی پیچیده است و گروه‌هایی با نیازها و منافع متفاوت و گاه متضاد را شامل می‌گردد و از این رو تصمیم‌گیری و یافتن راه‌حلی که منافع این گروه‌ها را تأمین نماید، اگر غیرممکن نباشد، کاری بسیار سخت و زمان‌بر است. به غیر از نیازها و منافع متفاوت، نظرات افراد تحت تأثیر عواملی چون تجربه، تحصیلات، نگرش‌ها، جنسیت، سن و مواردی از این قبیل قرار می‌گیرند. بدیهی است که نظر فردی دارای تجربه و دانش در یک زمینه با فردی که دانشی در آن زمینه ندارد، از ارزش یکسانی برخوردار نیست. بنابراین به منظور اثربخش‌بودن مشارکت عمومی باید جنبه‌های گوناگون موضوع با دقت مورد بررسی قرار گیرند (ژی ۱، ۲۰۱۶).

نقش و جایگاه روستاها در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی و منطقه‌ای، پیامدهای بین‌المللی و توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری و حاشیه‌نشینی شهری موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری شده است. رسیدن به هدفی خطیر همچون توسعه روستایی در سرزمین، مستلزم پیمودن راه‌ها و به‌کارگیری ترفندها و تکنیک‌های متعددی نظیر خط‌مشی‌گذاری در حوزه تعاونی‌های روستایی است. از زمینه‌های بحث‌برانگیز در خصوص این امر مهم، که می‌توان آن را به عنوان شالوده و اساس جریان توسعه در فضاها و روستایی نیز تلقی کرد (مولایی و همکاران، ۱۳۹۶). یافته‌های تحقیق نشان داد مقوله بهینه‌سازی اقتصاد روستایی در این زمینه مؤثر است و به این نتایج در یافته‌های پژوهش‌های رخشانی و همکاران (۱۴۰۰)، کریم (۱۳۹۴) و لان و همکاران (۲۰۱۴) نیز اشاره شده است.

نتایج تحقیق نشان داد که خط‌مشی‌گذاری تعاونی روستاها بر مبنای اقتصاد مقاومتی باعث توسعه مناطق روستایی می‌شود. به این نتایج در یافته‌های پژوهش عباسی و همکاران (۱۳۹۵)، کریم (۱۳۹۴)، ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) و کانیک و همکاران (۲۰۱۶) اشاره شده است. در تأیید این نتایج می‌توان این گونه بیان کرد که امروزه اکثر کشورهای پیشرو در برنامه‌ریزی توسعه،

سیاست‌ها و راهبردهای تعاملی و برنامه‌ریزی یکپارچه روستایی - شهری را به عنوان برنامه‌ریزی توسعه مد نظر قرار می‌دهند. اتخاذ این خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها و راهبردها، علاوه بر توجه هم‌زمان به برنامه‌ریزی توسعه روستایی - شهری، به مشارکت ساکنان روستایی و شهری نیز در فرایند عمل برنامه‌ریزی توجه می‌شود. علاوه بر این در گزارش سازمان نظارت جهانی (۲۰۱۳) نیز بر نقش مهم پیوندهای روستایی - شهری در راستای توسعه روستایی برای کاهش فقر و دستیابی به توسعه تأکید شده است (شفیعی ثابت و میرواحدی، ۱۳۹۹).

با توجه به اهمیت بخش کیفی پژوهش و خاص بودن نتایج این بخش، پیشنهادهای پژوهشی باید با تأکید بر بخش کیفی تدوین شود. بر اساس مدل کیفی تدوین شده و الگوی پارادایمی پژوهش، شرایط علی شامل دو مؤلفه توجیه ذی‌نفعان عمومی اجرای خط‌مشی‌ها و اتکای به خود است، یعنی اگر ذی‌نفعان عمومی اجرای خط‌مشی‌ها توجیه نباشند، اساساً اجرای موفق حاصل نمی‌شود و در مورد مقوله اتکای به خود، باید این شرایط برای عموم مردم توجیه شود و اجرای موفق خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی، به خودکفایی مردم منجر شود. برای این منظور پیشنهادهایی ارائه شد:

- پیش‌بینی ابزار اجرای خط‌مشی‌های تعیین شده
- فرهنگ‌سازی در راستای اجرای خط‌مشی‌ها
- برجسته‌سازی نتایج مثبت اجرای خط‌مشی‌های تعاون روستایی
- تدوین راهبرد مناسب برای اجرای خط‌مشی‌ها با توجه به منابع
- تبلیغ و تشریح نتایج اجرای خط‌مشی‌های تعاون روستایی در راستای اقتصاد مقاومتی

فهرست منابع

۱. الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۹۳). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۲. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*، نشر نی.
۳. جهانگیر، کیومرث، رستمی، ولی و تاری، بهاء‌الدین. (۱۳۹۹). *الزامات حقوقی اقتصاد مقاومتی در مرحله قانونگذاری با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی، مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۴)، ۱۳۰۷ - ۱۳۲۹.
۴. خواجه‌ناینی، علی. (۱۳۹۴). *درآمدی تحلیلی بر نقش شبکه‌های سیاسی در سیاست‌گذاری عمومی، نشریه دولت‌پژوهی*، ۱(۳)، ۱۴۷-۱۷۵.
۵. خواستار، حمزه. (۱۳۸۸). *ارایه روشی برای محاسبه پایایی مرحله کدگذاری در مصاحبه‌های پژوهشی، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۵(۵۸)، ۱۶۱-۱۷۴.
۶. رخشانی، بهزاد، سردار شهرکی، علی و علی احمدی، ندا. (۱۴۰۰). *شناسایی مشکلات توسعه کسب و کار تعاونی‌ها در روستاهای منطقه سیستان، تعاون و کشاورزی*، ۱۰(۳۸)، ۲۱۱-۲۳۹.
۷. رجب‌بیگی، مجتبی. (۱۳۹۵). *موانع دستیابی به اجرای کامل خط‌مشی‌های عمومی، نشریه مدیریت دولتی*، ۳۶(۲)، ۷۳-۸۴.
۸. رضایی. (۱۳۹۳). *بررسی نقش و جایگاه کارآفرینی در توسعه تعاونی‌های روستایی، نشریه مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۱(۱)، ۸۵-۱۰۲.
۹. شفیعی ثابت، ناصر و میرواحدی، نگین‌سادات. (۱۴۰۱). *آینده پژوهی ظرفیت‌های پیوند روستایی - شهری در راستای امنیت غذایی پایدار (مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی حوزه جنوب شرق استان تهران)*. *پژوهش‌های روستائی*، ۱۳(۲)، ۲۸۴-۲۹۷.
۱۰. صاحبی، نغمه، فلاحتکار، الهام و آشفته‌پورلیلاکوهی، سپیده. (۱۳۹۳). *بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه مناطق روستایی با رویکردهای توسعه پایدار، اولین کنفرانس ملی جغرافیا، گردشگری، منابع طبیعی و توسعه پایدار، تهران*.

۱۱. طباطبایی، امیر، حسنی، پرخیده، مرتضوی، حامد و طباطبایی چهر، محبوبه. (۱۳۹۲). راهبردهایی برای ارتقاء دقت علمی در تحقیقات کیفی، *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۵ (۳): ۶۶۳-۶۷۰.
۱۲. طالب، مهدی و بخشی‌زاده، حسن. (۱۳۹۱). تعاونی‌های روستایی و حکمرانی روستایی در ایران، *نشریه توسعه روستایی*، ۴ (۶)، ۲۴-۴۶.
۱۳. عباسی، عباس، معتضدیان، رسول و میرزایی، محمدقاسم. (۱۳۹۵). بررسی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی، *پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*، ۶ (۲)، ۴۹-۶۹.
۱۴. فروزانفر، محمدحسین، ملاحسینی، علی، ریاحی، محمدعلی و نجفی‌پور، امیرعباس. (۱۳۹۸). طراحی الگوی اقتصاد مقاومتی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، *فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۸ (۴)، ۱۵۱-۱۶۸.
۱۵. کریم، محمدحسین. (۱۳۹۴). چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی ایران، *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستای*، ۳ (۱۳)، ۱۷۳-۱۹۶.
۱۶. گل‌دار، زهرا، امیری، مجتبی، قلی‌پورسوته، رحمت‌اله و معظمی، منصور. (۱۳۹۶). طراحی چارچوب مفهومی درگیرسازی ذی‌نفعان در خط‌مشی‌گذاری عمومی، *دانش حسابرسی*، ۱۷ (۶۶)، ۸۱-۱۰۵.
۱۷. مولایی‌هشجین، نصراله، آمارحاجی شیرکیا، تیمور و باقری، عباس. (۱۳۹۶). نقش مدیریت محلی در توسعه اقتصادی نواحی روستایی شهرستان بهشهر، *نشریه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۶ (۴)، ۱۶۵-۱۷۶.
۱۸. نکویی‌نائینی، سیدعلی، قنبری، یوسف، برقی، حمید و علیزاده، نادر. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی جامعه روستایی بر موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی: مطالعه موردی شهرستان اصفهان، *نشریه روستا و توسعه*، ۱۹ (۳)، ۱۲۱-۱۳۸.
۱۹. همتی‌راد، فرزانه. (۱۳۹۳). *اصول و اندیشه‌های تعاونی*، ویراستار علمی: بهزاد حکیمی‌نیا، ناشر: دانشگاه پیام‌نور.

20. Cochran, C. and Malone, E. (1995) public policy: perspectives and choices, new York: Macgraw Hill.

21. Hill, M., & Hupe, P. (2002). Implementing public policy: Governance in theory and in practice. Sage.
22. Kenbeek, S. D., Bone, C., & Moseley, C. (2016). A network modeling approach to policy implementation in natural resource management agencies. *Computers, Environment and Urban Systems*, 57, 155-177.
23. Lan, H., Zhu, Y., Ness, D., Xing, K., & Schneider, K. (2014). The role and characteristics of social entrepreneurs in contemporary rural cooperative development in China: case studies of rural social entrepreneurship. *Asia Pacific Business Review*, 20(3), 379-400.
24. Lasswell, H. D., Brunner, R. D., & Willard, A. R. (2003). On the policy sciences in 1943. *Policy Sciences*, 36(1), 71-98.
25. Moseley, C., & Charnley, S. (2014). Understanding micro-processes of institutionalization: stewardship contracting and national forest management. *Policy Sciences*, 47, 69-98.
26. Pelletier, D. (2004). Sustainability of the policy sciences: Alternatives and strategies. *Policy Sciences*, 237-245.
27. Peters, B. G. (2000). Policy instruments and public management: bridging the gaps. *Journal of public administration research and theory*, 10(1), 35-47.
28. Xie, L. (2016). Environmental governance and public participation in rural China. *China Information*, 30(2), 188-208.
29. Yanow, D. (2007). Interpretation in policy analysis: On methods and practice. *Critical policy analysis*, 1(1), 110-122.
30. Zhang, S., Wu, B., Chen, R., Liang, J., Khan, N., & Ray, R. L. (2023). Government Intervention on Cooperative Development in Poor Areas of Rural China: A Case Study of XM Beekeeping Cooperative in Sichuan. *Land*, 12(4), 731.